مرکز
فرماندهی
چاکهو

터벅
터벅

* قدم (۲)

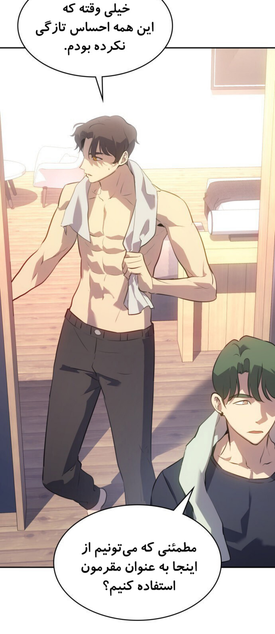
خیلی وقته که این همه احساس تازگی نکرده بودم.
مطمئنی که می‌تونیم از اینجا به عنوان مقرمون استفاده کنیم؟

گفتم نباید خسیس بازی در بیارم از اونجایی که استراحت و خواب با کیفیت هم مهمه...

هووان، تو قبلا توی تیراندازی ورزشکار ملی بودی، درسته؟

مطمئناً که بخشندگی یه ورزشکار رو داری. خوشم اومد.

زود برمی‌گردم!

منم باهات میام.

* قورت دادن

* تلق

داری چیکار می‌کنی، هووان؟

می‌خوای منتظرشون بمونی؟

اما بال‌ها سرد میشن!

Translation Team

7سرنوشت

چاکهو

العام | ماجراجویی
گروه پرانتاس

قسمت ۲۹

هوپو...

تو نگهبان
شین-سی
بودی...

چرا بهمون خیانت کردی؟!

از اولش هم می‌دونستم که هیچوقت نباید به قبیله بوهها اعتماد می‌کردم...!

قاتل.

هوپو، به کمکت نیاز دارم.

بیا باهم
توی شین-سی
صلح برقرار کنیم،
هوپو.

تابانه...

من دیگه هیچوقت نمی‌تونم صلح برقرار کنم...

بدون تسکین کینه‌های عمیق کسایی که پشتون خیانت شده بود.

قربان!

* سرفه (۲)

وقتم رو با احساسات بیهوده هدر دادم.

این سین-سی باید زود...

بله... من دیگه نگهبان این شهر نیستم.

اما به محض اینکه که تسخیرش کنم و انتقامم رو بگیرم، بعدش...

* خورد شدن

* آهههههه

به این زودی دارن مبارزه می‌کنن؟

جیچو، تو اینجا منتظر بمون.

از هوسو و هارا بخواه که وضعیت رو بهت گزارش کنن.

چشم، قربان.

اوگیوپ، دنبالم بیا.

بله، قربان.

می‌بینم که شماها هم اینجا جشن گرفتین!
저벅
저벅

* قدم (۲)

چی؟

شکارچی بوم؟
اما آقای بولتی بهمون گفت که اپ شکارچی نمی‌تونه ما رو ردیابی کنه.
پس اون کیه؟

دویدن
کی اهمیت میده؟
اونم می‌گیریم.
ووش

کلیک (٤)
چی شد؟

اون الان
خودش رو به دیوار
چسبوند--

* بریدن

وای!

هفت قدم!
بوم‌ها می‌تونن
هفت قدم بردارن حتی
وقتی که گردنشون
بریده شده باشه!

داری باهام شوخی می‌کنی...

اون الان بخاطر اون نخ‌ها مرد؟

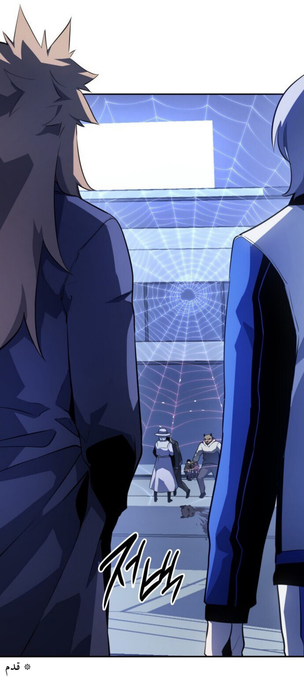
ㅈㅏㄱㅂㅏㄱ

© قدم

حرومزاده!

ㅎㅏㅂ
ㅎㅏㅂ

© ووش

هاها
ها
ها
ها
ها

© بربیدن

اومدین اینجا که کمکشون کنین...؟
اون...
مثل برق اون جنگجوها رو کشت...

این دوتا از واحد تحت دستورات من نیستن.
اینجا جلوتر از ما چیکار می‌کنن؟

نگران نباشین.
زود می‌فرستمتون پیش اونا.
چطور جرأت می‌کنه...؟!

ووش
اوگیوپ،
عقب وایستا.

قربان!

باید ازش
بخاطر این رفقای بومم
انتقام بگیرم.

پریدن

وش
هه هه هه
هه هه!
ووش

هاه؟

بروم

بابا... اون شکارچی بومه؟
فکر کردم که بود چون از شر اون بوم‌ها خلاص شد...

در حال پردازش...
فرستادن کمک به شکارچیان اطراف...
این...

کِ...؟
یعنی گفت که بوم‌ها عددی نیستن...

یعنی پدر بهم دروغ گفته؟
واقعاً درک نمی‌کنه...

غرش
نمی‌خواهم بمیرم.
من...
نمی‌خواهم...

تو انسان نیستی.
فلش

آوووووا!!!!!!
آههههه

غرش
غرش
آخ...
این غرش قبل از مرگه، هاه...
غرش

* ووش

* بریدن

❄ جا خوردن

7 سرنوشت
چاکهو
انجام از شخصیت‌های
گروه بی‌بی‌اس

BTS
سگا ساکرمی
خدا حافظ
#زن_زندگی_آزادی

به ما
بپیوندید
تا شادی
را برای
دیگران
به یادگار
بگذارید!!
ANCHOR
دنیای انیمه و مانگا